

## بررسی مشروعیت کاربست حيله های ربا در بانکداری اسلامی

سید عباس جزایری<sup>۱</sup> و احمد مهدوی نسب<sup>۲\*</sup>

۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر کرد، ایران

۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر کرد، ایران

\*نویسنده مسئول: احمد مهدوی نسب

### چکیده

بررسی عملکرد بانک ها نشان می دهد در برخی موارد ، مشتری به علل گوناگون از راه طبیعی و واقعی عقدهای شرعی خارج شده و آن عقد را در عمل به حيله ای حرام برای ربا تبدیل می کند. همچنین بانک به دلیل آن که عمل به مفاد قراردادهای شرعی مشکل، هزینه بر یا ریسکی است در برخی موارد از راه طبیعی این قراردادها خارج و مرتکب حيله حرام می شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کتابخانه ای به بررسی مشروعیت کاربست حيله های ربا در بانکداری اسلامی پرداخت. در مجموع نتایج بررسی ها نشان می دهد از آنجا که برخی حيله ها، تناقض در قانون گذاری و نقض غرض شارع از تشریح حکم را به دنبال دارند یا استهزاء برخی قوانین را در پی دارند، یا حتی از حقوق افراد را که در دین بیان شده را از بین می برند یا زمینه ساز ارتکاب حرام می شوند و یا برخی از حيله ها مصداق تقلب نسبت به قانون هستند و... به همین دلیل می توان گفت، حيله شرعی در احکام اسلامی جایگاهی ندارد و در مواردی قابل دفاع نخواهد بود. بنابراین کاربست حيله های ربا در بانکداری اسلامی نیز نمی تواند مشروعیت شرعی داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** مشروعیت، حيله های ربا، بانکداری اسلامی

## مقدمه

ربا یکی از جرائم غیر مشهود در جوامع مختلف بشری اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌باشد و به نوعی سد راه آحاد و رشد اقتصادی گروهی از افراد جامعه می‌شود و در ضمن سنن حسنه‌ای مثل قرض‌الحسنه را که در دین مبین اسلام بر آن بسیار تأکید شده است، مظلوم واقع کرده و منجر به فراموشی آنها شده و به قیاس اولویت مسائلی مثل فساد اخلاقی، رواج تنبلی و بی‌بندوباری اقتصادی را به همراه داشته است. لذا دین مبین اسلام ربا و طرفین آن را مذموم می‌داند. به تبع آن قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران هم بایستی اشد مجازات را برای فعل این جرم در نظر بگیرد.

از طرفی دیگر، امروزه بانک‌ها از ضروریات جامعه بشری و یکی از ارکان اقتصادی کشورها به حساب می‌آیند که مهم‌ترین اعمال بانکی که در واقع منبع اصلی درآمد بانک‌ها است و در اقتصاد کشور نیز نقش مؤثر دارد. جایگاه مهم بانکداری در اقتصاد و فواید آن، اندیشمندان مسلمان را به این فکر انداخت که با رفع مشکلات شرعی، از صنعت بانکداری استفاده کنند و این گونه بود که بانکداری بدون ربا شکل گرفت. در بانکداری بدون ربا، بانک کار خود را با حذف ربا و بهره بانکی که قرآن آن را تحریم کرده بود آغاز کرد.

امروزه بسیاری از موضوعات به ویژه در صنعت بانکداری ربا تلقی شده در حالیکه ماهیت ربوی نداشته و کنار نهادن آنها از مناسبات اقتصادی، زبان‌های سنگینی بر پیکره جامعه اسلامی وارد می‌کند. در مقابل بسیاری از موضوعات که ماهیت ربوی دارند، از گستره این مقوله خارج شده‌اند. از سوی دیگر، بررسی عملکرد بانک‌ها نشان می‌دهد در برخی موارد، مشتری به علل گوناگون از راه طبیعی و واقعی عقدهای شرعی خارج شده و آن عقد را در عمل به حيله ای حرام برای ربا تبدیل می‌کند. همچنین بانک به دلیل آن که عمل به مفاد قراردادهای شرعی مشکل، هزینه بر یا ریسکی است در برخی موارد از راه طبیعی این قراردادهای خارج و مرتکب حيله حرام می‌شود.

بحث از حيله های شرعی به علت اهمیت مسئله و ابتلای شیعیان به این موضوع، از دید فقها پنهان نمانده و در ابواب مختلف فقهی- مانند معاملات ربوی - بدان پرداخته‌اند که بحث‌های تفصیلی آن در کتاب‌ها و مقالات فقهی آمده (منابع جهت مطالعه بیشتر: مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق؛ غیب غلامی هرساوی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵ - ۴۴۰؛ صابری، حسین، ۱۳۸۰، ص ۱۴-۴۹). حذف ربا از نظام بانکی و بازارهای مالی کشورهای اسلامی، بدون شناخت روش حيله های ربا و تفکیک حيله های جایز از حرام ممکن نیست؛ از این رو مقاله حاضر به تبیین مشروعیت کاربست حيله های ربا در بانکداری اسلامی پرداخته است.

## مفهوم ربا

ربا از نظر لغوی، معنای مطلق افزایشی شیء است؛ اعم از مال یا غیر آن. (معلوف، ۱۳۶۱، ص ۲۵۰). این معنا همچنین در آیات مختلف قرآن نیز به کار رفته است. از جمله در سوره روم، آیه ۳۹ که می‌فرماید: «در نزد پروردگار افزایش نمی‌یابد» یا، در آیه ۵ سوره حج که می‌فرماید: «چون باران را بر زمین بفرستادیم به اهتزاز در بیاید و نمو کند...». همچنین در آیه ۲۷۶ سوره بقره داریم که می‌فرماید: «خدا پاداش کارهای نیک را افزایش می‌دهد».

البته قابل ذکر است که فرهنگ لسان العرب با تعریفی که از لغت ربا می‌کند آن را تنها محصور در زیادت مالی کرده است و زیادت غیرمالی را داخل در تعریف نکرده است. لکن معنای شرعی ربا با معنای لغوی آن تفاوت دارد، چرا که در معنای لغوی اصل زیادت است چه از راه معامله باشد چه از راه تجارت و... حال آن که هر زیادت و اضافه شدنی در مال شرعاً موضوع بحث ربا نمی‌باشد و لذا راغب اصفهانی در تعریف کلمه ربا می‌نویسد: «ربا اصل زیادی بر مال است ولی از نظر شرع به زیادی ویژه‌ای اطلاق می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰).

در تعریف ربا در اصلاح سه رویکرد وجود دارد یکی تعاریف علما و مفسران که مبنای روایی دارد و تعاریف کاملی نبوده و دارای اشکال‌هایی می‌باشد. برای مثال در کنز‌العرفان آمده است «معنای لغوی ربا زیادی است و در شرع به آن زیادی ربا گفته می‌شود که دو کالای همجنس مکیل و موزون را به تفاضل مبادله کنند» (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص ۹۰).

رویکرد دیگری هم در تعریف ربا وجود دارد و آن تعریف فقهای امامیه بوده که نسبتاً تعریف مانعی می‌باشد، بدین صورت که «ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادله دو کالای هم جنس که موزون و مکیل باشد و یا دریافت اضافی در قرض با شرط

قبلی» (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۲۵). از آن جهت این تعریف را جامع ندانستیم که نوعی از ربا را که مفسران به آن قائلند یعنی ربای جاهلی را شامل نمی‌شود. قابل ذکر است که منظور از ربای جاهلی نوعی از ربا می‌باشد که در عربستان مقارن با ظهور اسلام رواج داشت و از آن جایی که تخصیصاً از بحث خارج است به آن نپرداختیم - رویکرد دیگری هم در تعریف ربا اصطلاحاً وجود دارد و آن برخاسته از فلسفه حرمت ربا یعنی ظالمانه بودن آن می‌باشد بدین صورت که «دریافت و یا پرداخت هرگونه زیادی ناحق و ظالمانه در مبادلات بر اساس ارزش آنها» (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۲۵-۳۲).

صاحب جواهر نیز دو ملاک برای ربوی بودن شرط می‌داند که باز شامل ربای جاهلی نمی‌شد بدین شرح که: ربای حرام در دو مورد تحقق می‌یابد:

۱. مبادله دو جنس مشابه با زیادی یکی از آنها به شرط مکیل و موزون بودن.

۲. قرض دادن یک جنس به دیگری به شرط بازپرداخت اضافی (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۵۰).

با تمام این اوصاف تعاریف فقهای امامیه از ربا؛ تعاریف جاهلی که مفسران به آن قائلند را در بر نمی‌گیرد ولی این تعاریف بر مبنای روایت‌ها شکل گرفته و در ضمن، ربای جاهلی تخصیصاً محل بحث نمی‌باشد. لذا تعاریفی که فقهای امامیه کرده‌اند از آن جهت که مقصود دین اسلام را از ربا منعکس می‌کنند تعاریف جامع و مانعی می‌باشند.

### مفهوم حيله شرعی

«حيله» از ریشه «حول» و بر وزن فعله، مصدری است که دلالت بر نوعی تغییر و دگرگونی می‌کند. اگر سال را هم عرب «حول» می‌گویند به همین اعتبار است؛ زیرا تغییر و دگرگونی به وجود آمده، و سال گذشته تبدیل به سال جدید شده است (ر.ک: جوهری، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۴، ص ۱۶۷۹ - ۱۶۸۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۶؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۲، ص ۳۱۸). واژه حيله، به معنای چاره است که شخص در تدبیر کارش به آن منتقل می‌شود و آن یک نوع تغییر و انفصال از حال اولی است (قرشی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۲، ص ۲۰۳). در واقع، این واژه، بر اثر گذشت زمان معنای دومی نیز پیدا کرده، و آن عبارت است از: «رسیدن به یک چیز از راه اسباب و علل خفیّه و پنهانی» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۱۲؛ ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷) و این همان چیزی است که در فارسی به آن «چاره جویی» گفته می‌شود. بنابراین، حيله به معنای به کار گرفتن راه هایی است که به شکل پنهانی باشد. به تعبیر دیگر، به معنای چاره جویی پنهانی است و معمولاً بار منفی دارد، اگرچه در مواردی هم به عنوان راه حکیمانه از آن استفاده می‌شود که بار مثبت نیز دارد. به تعبیر دیگر، هم چاره جویی ممدوح داریم و هم مذموم (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۱۲ و ۱۳).

هنگامی که از اصطلاح حيله در حوزه شرعیات سخن به میان می‌آید، به معنای راه و شیوه ای است که شخص در پیش می‌گیرد، تا از رهگذر آن وضعیت خود را در برابر ادله شرعی تغییر دهد، و کاری کند تا از حوزه احکام الزامی شرع - خواه حرمت، خواه وجوب و مانند آن - خارج شود (بحیری، ۱۳۷۶، ص ۳۳ - ۳۹).

به طور کلی، حيله در اصطلاح فقها؛ یعنی حفظ ظاهر قوانین شرع، اگر چه روح قانون موجود نباشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۴) به دیگر سخن؛ حيله به کار بستن راه هایی است که گرچه ظواهر قانون در آن رعایت شده، ولی چه بسا با روح قانون مخالف است؛ مانند این که شخص برای فرار از حرمت ربا، می‌کوشد از راه بعضی از عقود و معاملات که ظاهری شرعی دارند به هدف اصلی خود که دریافت سود است، برسد؛ هر چند این شخص، راه های شرعی را پیموده، و در ظاهر مخالفتی با شرع نکرده است، ولی ممکن است با روح و فلسفه تحریم ربا مخالفت کرده باشد (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۴۷، ص ۱۵۲).

بنابراین در مجموع می‌توان گفت که حیل شرعی به معنای چاره جویی و اتخاذ روشی است که از طریق آن موضوع حرامی به حلال تبدیل می‌شود مانند حيله‌هایی که برای فرار از ربا در فقه مطرح است.

هنگامی که از اصطلاح حيله در حوزه شرعیات سخن به میان می‌آید، به معنای راه و شیوه ای است که شخص در پیش می‌گیرد، تا از رهگذر آن وضعیت خود را در برابر ادله شرعی تغییر دهد، و کاری کند تا از حوزه احکام الزامی شرع - خواه حرمت، خواه وجوب و مانند آن - خارج شود (ر.ک: بحیری، ۱۳۷۶، ص ۳۳ - ۳۹).

## ربا از منظر فقهی

در تمام ادیان الهی ربا حرام شمرده شده است و لذا در اسلام به طریق اولی این مسئله باید حرام شناخته شود و در ضمن در حرمت آن از نظر قرآن، سنت و اجماع علما هیچ‌گونه تردیدی نمی‌باشد تا آنجا که حتی امام خمینی (ره) حرمت آن را تا مرز انکار ضروریات دین دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۵۳۶). حال در ادامه مقاله ابتدا به انواع ربا در فقه اسلام و سپس به بررسی حکم ربا (حرمت ربا) در منابع استنباط حکم در فقه امامیه می‌پردازیم.

### الف- انواع ربا

ربا در فقه به دو قسم تقسیم شده است: (۱) قرضی و (۲) معاملی

#### ۱. ربای قرضی

ربای قرضی عبارت است از این که کسی مالی را به دیگری قرض دهد و سپس به صورت صریح یا ضمنی یا بنابر رویه‌ای که بین طرفین وجود دارد، اضافه بر اصل مال را به نفع خود یا دیگری، شرط دریافت چیزی اعم از مال یا منفعت مالی از قرض گیرنده نموده باشد. این اضافه مزبور را - به شرط أخذ - ربای قرضی می‌گویند (علامه حلی، ۱۳۶۳، ۳۸۰؛ خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴، ج ۲، ۶۵۳).

تعریف دیگری که از ربای قرضی می‌توان عنوان کرد عبارت است از: «قرض یا تمدید زمان طلب با شرط پرداخت ارزش اضافی عینی یا حکمی به نحو ظالمانه». بر مبنای این تعریف؛ دریافت اضافه در صورتی نامشروع است که از قبل معین باشد و لذا بدون شرط قبلی اگر بدهکار اضافه‌ای را به طلبکار بدهد حرام نبوده و در ضمن در دین مبین اسلام بر آن هم تأکید شده است البته قابل ذکر است در تعریف زیاده خواهی به ازای تمدید مهلت هم اشکالی ندارد؛ حال آنکه از لحاظ فقهی محل اشکال است. در تعریف اخیر، نکته ظریف دیگری هم نهفته است که قابل ذکر است و آن اینکه در این تعریف مازاد بر اصل پول و یا کالا به تنهایی ربا نمی‌باشد، بلکه هر گونه امتیاز و تعهدی که ارزش اضافی محسوب شود در این تعریف ربا به شمار می‌آید. در ضمن مناط در این تعریف ظلم است و لذا قرض‌هایی مصداق ربا خواهند شد که جنبه ظلم و ستم در آنها پیشی گیرد. و اگر قرضی در آن اضافه شرط شده باشد ولی طرفین ظلم و اجحافی نشود مصداق ربا نمی‌باشد. لذا این تعریف جامع، آنچه فقه امامیه اراده فرموده است نمی‌باشد لذا محل نظر و تأمل است.

#### ۲. ربای معاملی

در حرمت ربا نسیه از دیدگاه شیعه هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد، چرا که روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده که می‌فرمایند: «ربا به جز در نسیه وجود ندارد». بر اساس این روایت، عده‌ای ربا را منحصر در ربای قرضی دانسته‌اند. ولی نوع دیگری از ربای حرام، در معاملات و خرید و فروش مطرح است. بدین شرح که أخذ مال اضافه بر ثمن در بیع دو جنس همانند مکیلی یا موزون را ربای معاملی گویند (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۶۵۳) در ضمن مال اضافه ممکن است از جنس ثمن یا چیز دیگری باشد.

همچنین در معیار حرمت ربای معاملی نیز علمای شیعه، ربای معاملی را در اشیای همجنس که مکیل و موزون باشد جاری می‌دانند. مبنای آنها هم قاعده معروف فقهی می‌باشد: «ربا تنها در مکیل و موزن است». معیار دیگری را هم شهید استاد مطهری در کتاب مسئله ربا بیان می‌کند که آن قابلیت اندازه‌گیری و تقدیر است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۷۸-۷۹). این معیار عام‌تر و فراگیرتر از مکیل و موزون بوده است و اشیای محدودی را که مقدر است، مثلاً اسکناس را نیز در بر می‌گیرد.

## ب- ادله حرمت ربا در اسلام

تحریم ربا از مسایل مهم اسلامی است و بازتاب گسترده‌ای در آیات و روایات دارد. بسیاری از فقهای بزرگ هنگامی که وارد این مبحث شده اند تنها به دلایل سه گانه (قرآن و حدیث و اجماع) بسنده کرده اند در حالی که تحریم ربا را بی شک با دلیل عقل نیز میتوان اثبات کرد. بنابراین ادله قرآن و سنت و اجماع بر تحریم ربا خواری و اهمیّت این گناه بزرگ گواهی میدهد.

## ۱. قرآن

برخی آیات در قرآن کریم حول تحریم ربا بحث می‌کند که عبارتند از:

۱. «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم / ۳۹)؛ «مالی که به ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود نزد خدا هیچ فزونی بر آن ایجاد نمی‌شود و مالی را که برای خشنودی خدا برای زکات می‌پردازید دو برابر می‌شود».

۲. «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَبْطِلِ...» (نساء / ۱۶۱)؛ «از عادات زشت یهودیان این بود که ربا می‌گرفتند در حالی که از آن نهی شده بودند و اموال مردم را به ناحق می‌خوردند...».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۳۰)؛ «ای اهل ایمان، ربای به هم فزاینده را نخورید از خداوند بترسید تا رستگار شوید».

از این آیات قرآن کریم می‌توان حرمت ربا را از دید خداوند متعال دریافت و این مسئله بیش از آیه اول و دوم، در آیه سوم ظاهر می‌شود چه آنکه خداوند متعال اهل ایمان را به ترس از خدا و دوری از اکل ربا فرا می‌خواند.

خلاصه اینکه همه این آیات، حکایت از شدت حرمت ربا در اسلام دارند. هر چند در خصوص مصادیق ربا، مفسران اختلاف نظر دارند اما در قرآن کریم نوع الحکم ربا متعلق فیه حرمت واقع شده است.

## ۲. سنت

روایت‌های بسیار زیادی کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم در کتب معتبر شیعه و سنی دال بر حرمت ربا وجود دارد که به برخی از آنها اجمالاً در زیر اشاره خواهیم کرد:

۱. شیخ عباس قمی از رسول گرامی اسلام (ص) چنین روایت می‌کند: «خداوند در روز قیامت شکم رباخوار را به اندازه ربایی که خورده است از آتش جهنم پر می‌کند: هیچ یک از اعمال و کارهای نیک او نمی‌پذیرد تا زمانی که اندکی از اموال ربوی در دستش است، پیوسته مورد لعن و نفرین فرشتگان قرار خواهد گرفت» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۵۰۷).

۲. رسول اکرم (ص) در جای دیگری هم رباخواری را بدترین کسب‌ها معرفی می‌کند (حکیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۴۰۳).

۳. ابان بن بکیر روایت می‌کند به جناب امام صادق (ع) رسیدم «به ایشان خبر رسید که مردی ربا می‌خورد و آن را شیر می‌نامد. امام (ع) فرمودند: اگر خداوند مرا بر او چیره گرداند، گردن او را خواهم زد» (حرعاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۲، ۴۲۹).

۴. از امیرالمؤمنین علی (ع) نیز چنین روایت شده است که «هرگاه خداوند متعال بخواهد قومی را نابود کند ربا در میان‌شان ظاهر می‌کند. (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۲، ۳۹۰).

مخلص کلام اینکه درباره حرمت ربا روایت‌های متعددی در کتب شیعه و سنی آمده است و تنها مرحوم حر عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه بیش از سیصد روایت دال بر حرمت ربا جمع‌آوری کرده‌اند، که این کثرت احادیث کاشف از شدت حرمت ربا، نزد ذات مقدس معصوم می‌باشد.

## ۳. اجماع

یکی دیگر از ادله کشف و استنباط احکام اجماع فقها در یک عصر می‌باشد و بنابر نگاهی اجمالی به نظرات فقها، می‌توان اجماع فقها را در باب حرمت ربا دریافت. برای مثال شیخ طوسی می‌گوید: «علما اجماع دارند بر اینکه ربا از گناهان کبیره می‌باشد» (طوسی، ۱۳۴۲، ص ۵۸۹). همچنین در تفسیر قرطبی آمده است که حرمت ربا اجماعی است (قرطبی، ۱۳۵۵، ص ۳۴۸).

امام خمینی نیز در تحریر الوسیله چنین می‌فرماید که: «حرمت ربا به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است؛ بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۵). با توجه به این اجمالی که از قرآن، سنت و اجماع در این مقاله آورده‌ایم به وضوح برای خواننده آشکار می‌شود که دین مبین اسلام برای ربا حکم به حرمت داده است و متقابلاً برای طرفین ربا اشد مجازات را مقرر فرموده است.

### حیله های ربا در بانکداری بدون ربا

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر قوانین مخالف شرع مقدس اسلام، قوانین و مقررات نظام بانکی نیز تغییر کرد و از سال ۱۳۶۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا اجرا شد. طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها می‌توانند منابع خود و منابع حاصل از سپرده‌ها را به روشهای یازده گانه قرض الحسنه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف، خرید دین، مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات اعطای تسهیلات یا سرمایه گذاری مستقیم کنند. این قانون گرچه از نظر فقهی مورد تأیید فقهای محترم شورای نگهبان و مراجع تقلید وقت بود؛ ولی در مقام اجرا دچار اشکالاتی شد و در مواردی از روح قانون فاصله گرفت و حیله های ربا در آن راه یافت. برخی از مهم ترین مصادیق حیله های ربا در بانکداری بدون ربا بدین قرارند:

#### ۱. حیله ربا در تسهیلات فروش اقساطی

در این روش، بانک باید کالای مورد نیاز مشتری را به صورت نقد بخرد؛ سپس به صورت نسبی اقساطی به مشتری بفروشد. در تسهیلات با مبالغ کم، بانک مشتری را در خرید نقد کالا برای بانک وکیل میکند. گاه مشتری به جای اینکه به طور واقعی کالایی را بخرد، با پرداخت وجهی فاکتور صوری از مراکز فروش تهیه کرده آن را به بانک ارائه می‌دهد و بانک هم موضوع آن فاکتور را که وجود خارجی ندارد، به مشتری می‌فروشد؛ یعنی در ظاهر معامله بیع صورت گرفته؛ ولی در واقع پولی به متقاضی تسهیلات داده شده و بعد از مدتی همان پول با مقداری اضافه به بانک برگردانده شده است. این موارد به دلیل اینکه قصد جدی درباره بیع تحقق نمی‌یابد و در حقیقت برای قرض ربوی صورت سازی شده و شرط اول حیله های جایز را ندارد، حیله حرام شمرده میشود (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴).

#### ۲. حیله ربا در تسهیلات جعاله

در این روش، بانک باید در مقابل مبلغی معین که به صورت اقساط پرداخت می‌شود، انجام عملی را متعهد شده (جعاله اول) سپس آن را با قرارداد جعاله دیگری به عامل (پیمانکار) واگذارد. در برخی موارد، بانک مشتری را وکیل انعقاد قرارداد برای جعاله دوم میکند و مشتری در جایگاه وکیل بانک، جعل لازم را برای انعقاد جعاله دوم از بانک می‌گیرد. گاه مشتری از ابتدا قصد دارد قرض با بهره بگیرد؛ از اینرو از ابتدا، قصد جدی درباره جعاله اول یا دوم ندارد؛ بدین جهت از مفاد وکالت سرمی پیچد و جعاله دوم را منعقد نمی‌کند و پول دریافتی را در زمینه های دیگر مصرف میکند. یکی از مدیران عامل سابق بانک در این باره می‌گوید: در حال حاضر، اغلب بانکها تحت عنوان جعاله وجه نقدی را می‌پردازند؛ سپس مبلغ اولیه را به اضافه سود مقرر در اقساط معین از مشتری دریافت می‌کنند (امیراصلانی، بی تا، ص ۳۷). اینگونه موارد نیز به دلیل صورت سازی برای قرض ربوی، حیله حرام شمرده می‌شود؛ زیرا شرط اول حیله های جایز را ندارد.

#### ۳. حیله ربا در تسهیلات سلف

در این روش، بانک باید کالایی را به بیع سلف از متقاضی تسهیلات بخرد و پس از تحویل گرفتن کالا در سررسید معین، آن را در بازار به قیمت روز بفروشد. در صورتی که بانک بخواهد واقعی عمل کند، دو مشکل دارد: یکی آنکه ممکن است قیمت کالا در سررسید کاهش یابد و بانک متضرر شود و دوم اینکه به تهیه مکان خاص برای تحویل کالا نیاز دارد. بانکها برای دوری از این مشکلات به معاملات سلف غیرواقعی روی می‌آورند. در یکی از تحقیقات میدانی درباره معاملات سلف آمده است: خیلی از بانک‌ها امکانات لازم جهت تحویل گرفتن کالای مورد سلف را ندارند؛ بنابراین، در پایان مدت قرارداد از تحویل گرفتن آن خودداری، و گاهی درباره وکیل یا امین کردن مشتری جهت فروش کالا اقدام می‌کنند و بقیه صرفاً به دریافت اصل پول

پرداختی به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک در معامله سلف بسنده میکند. همچنین شعبه هایی که مشتری را امین یا وکیل کرده اند، بر کار فروش کالا هیچگونه نظارتی به عمل نمی آورند و مشتری وجه حاصل از فروش را تمام و کمال به بانک نمی پردازد و صرفاً به پرداخت اصل پول دریافتی از بانک به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک بسنده می کند (امیراصلانی، بی تا، ص ۳۵).

این موارد در صورتی که از ابتدا قصد جدی درباره قرارداد سلف نباشد و این قرارداد در ظاهر پوششی برای قرض با بهره باشد، حیلۀ حرام است؛ زیرا شرط اول حیلۀ های جایز را ندارد و در صورتی که از ابتدا قصد جدی به مفاد بیع سلف باشد نیز به دلیل عدم فرق با قرض ربوی حیلۀ حرام شمرده میشود (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

#### ۴. حیلۀ ربا در تسهیلات مضاربه

در این روش، باید بانک، سرمایه لازم برای تجارت را در اختیار تاجر قرار دهد و در سود فعالیت تجاری با او شریک شود و اگر فعالیت مزبور به زیان منتهی شد، آن زیان را متحمل شود. در اغلب موارد بانکها ابزارهای لازم برای کنترل و نظارت بر تاجر را در اختیار ندارند؛ از اینرو، برای فرار از ضرر احتمالی، جبران خسارت را با شرط ضمن عقد به عهده تاجر می گذارند (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۷۷) و افزون بر آن در عمل به گونه ای رفتار میکنند که عملاً مشتریان تحت عنوان مضاربه تسهیلات را از بانکها دریافت کرده، همان مبلغ را به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک بازپرداخت میکنند (باوند، بی تا، ص ۳۱۶). این موارد نیز در صورتی که از ابتدا قصد جدی درباره قرارداد مضاربه نباشد و قرارداد مضاربه صوری باشد، حیلۀ حرام است؛ زیرا شرط اول حیلۀ های جایز را ندارد. و در صورتی که از ابتدا قصد جدی به مفاد مضاربه باشد نیز به دلیل عدم فرق با قرض ربوی، حیلۀ حرام شمرده میشود.

#### ۵. حیلۀ ربا در تسهیلات مشارکت مدنی

به مقتضای قرارداد مشارکت مدنی، بانکها باید با پرداخت بخشی از سرمایه مورد نیاز فعالیتهای اقتصادی با فعالان اقتصادی شریک شده و در سود و زیان حاصله نیز سهیم باشند. از آنجا که اغلب بانک ها (به ویژه بانکهای تجاری) ابزار لازم برای نظارت و کنترل پروژه های اقتصادی را در اختیار ندارند، اینگونه قراردادها از مسیر طبیعی خود خارج میشوند. یکی از مدیر عاملان سابق بانک در این باره میگوید: در مشارکت مدنی، بانکها ملاحظه قانونی مربوط به پیش بینی سود را ندیده میگیرند و از همان ابتدا، نرخ های مربوط به پیش بینی حداقل سود را بدون توجه به واقعیت و میزان سود محقق تعیین و محاسبه و از مشتری مطالبه می کنند (امیراصلانی، بی تا، ص ۳۶)، در اینصورت نیز از دو حال خارج نیست: یا از ابتدا قصد جدی درباره مفاد قرارداد مشارکت وجود ندارد یا قصد جدی وجود دارد؛ ولی به گونه ای عمل میشود که عرفاً فرقی بین آن و قرض ربوی وجود ندارد. در هر دو صورت این حیلۀ حرام است؛ زیرا در صورت اول، شرط اول جواز حیلۀ وجود ندارد و در صورت دوم فاقد شرط پنجم است.

#### مشروعیت حیلۀ های فرار از ربا در بانکداری (دیدگاه فقهی)

##### ۱. دیدگاه موافقان

بیش تر فقیهان امامیه چه در گذشته و چه آیندگان به جواز حیلۀ های فرار از ربا فتوا داده اند و هر یک راه هایی را برای فرار از ربا پیشنهاد کرده اند. شهید اول در این زمینه می گوید:

اگر دو جنس کیلی و وزنی را بخواهند با زیاده مبادله کنند، باید هر یک از آن جنس ها را به چیزی فروخت و جنس دیگر را که زیاده تر است، با همان جنس (ثمن) خرید یا به صورت مساوی آن دو را با هم معامله کنند و زیادی را بدون شرط ببخشند یا نسبت به جنسی که کم تر است، چیزی پیوست کنند تا در مقابل آن زیادی قرار بگیرد (مکی عاملی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۸). علامه حلی نیز می فرماید:

اگر ناچار شدید که بیع ربوی انجام بدهید، دو جنس را به چیزی خرید و فروش کنید (حلی، ۱۴۰۰ ه.ق، ج ۱۰، ص ۲۰۱).

البته از این که علامه می گوید: «لو دعت الضّرورة؛ در هنگام ناچاری می توان این کار را کرد» شاید بتوان ایشان را در زمره مخالفان قرار داد؛ چنان که مقدس اردبیلی فرموده است (مقدس اردبیلی، ۱۳۹۵، ج ۸، ص ۴۸۸).

صاحب جواهر آشکارا می گوید:

ما مشروعیت حيله برای رهایی از ربا را از روایات و فتاوی فقها یادآور شده ایم؛ زیرا این کار، فرار از باطل به حق است (نجفی، ۱۳۷۹، ج ۲۳، ص ۳۹۶).

نویسنده شرایع راه های فرار از ربا را یادآور شده اند (۵۴۸ هـ.م، ص ۵۴۸). نویسنده عروه الوثقی نیز از موافقان حيله های شرعی هستند و برای رهایی از ربا، راه هایی را یادآوری کرده اند که پیوست کردن چیزی ثالث به یکی از دو جنس یکی از آن هاست (یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰، پرسش ۴۲۹).

آیت الله خویی (موسوی خویی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۴، مسأله ۲۱۷) و آیت الله گلپایگانی (۱۳۸۲، ج ۲، صص ۹۳ به بعد) (رحمه الله علیهما) نیز از موافقان حيله های شرعی برای فرار از ربا به شمار می آیند.

## ۲. دیدگاه مخالفان

مخالفان حيله های شرعی با در نظر داشتن بزرگی گناه ربا و با توجه به این که احکام شرعی دارای ملاک و مصالح و مفاسد واقعی هستند و ربا نیز به دلیل مفاسد زیان باری که در اقتصاد و داد و ستدها دارد، حرام شده است، بر این عقیده اند که نمی توان با یک تغییر جزئی و ظاهری، زشتی و مفاسد آن را از میان برد. آیا راه های گریز از غیبت، تهمت، دروغ و مانند آن ها نیز به همین سادگی پذیرفتنی است یا ربا در حرام بودنش سبک تر از آن هاست؟

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

با توجه به سخت گیری ها و انکارهایی که در قرآن کریم و روایات فرقه های گوناگون شیعه و سنی درباره ربا وجود دارد که مانند آن در کم تر گناهی می توان یافت و با توجه به پی آمدهای ناگوار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این پدیده که دانشمندان اقتصاد از آن سخن گفته اند، چگونه می توان آن را با راه های گریز شرعی، حلال شمرد؟ چنان که روایت های معتبری نیز درباره راه های گریز داریم و فقیهان هم - جز اندکی از ایشان - بدان فتوا داده اند. این مطلب، یک مشکل و بلکه عقده ای در قلب بسیاری از اندیشه وران شده و موجب خرده گیری غیر مسلمانان به این حکم گردیده است که باید از آن گره گشایی کرد.

برای حلّ این مشکل، در چنین مسأله ای که ناگواری تجویز آن و مصالح باز داشتن آن را خرد در می یابد، نباید سخن از تعبّد گفت که از راه درست بسی دور است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۴۰).

در دیدگاه امام خمینی رحمه الله چون خرد بشری را در احکامی که در بخش امور تعبّدی جای می گیرد، راهی نیست، باید روایات آن ها را پذیرفت؛ گرچه با خرد ناقص بشر جور در نیاید، ولی در غیر امور تعبّدی که خرد در آن جا حکم فرمایی می کند، باید روایات را تجزیه و تحلیل کرد و همه جوانب را در نظر گرفت (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۴۰).

با توجه به سخت گیری قرآن و روایات در برخورد با ربا و جدای از روایاتی که درباره گریز از ربا آمده است، راه های فرار از این عمل زشت به هیچ روی پذیرفتنی نیست، ولی درباره روایت هایی که در این زمینه وارد شده است، باید دید که این روایات با اصول بنیادین اسلامی در تضاد است یا خیر؟ ممکن است برخی از همان اصول مهم، مقید یا مخصّص این روایات واقع شود. هم چنین ممکن است بعضی از راه های پیشنهادی در روایات برای گریز از ربا، با اصول و قواعد فقهی بیع و قرض سازگار نباشد. این نکته ها در نوشته های شهید صدر به خوبی نمایان است (غفوریان، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

امام خمینی در ردّ راه های گریز از ربا می گوید:

اگر حيله های فرار از ربا به این آسانی بود، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله، خود این راه ها را بیان نفرمود تا مردم به این گناه بزرگ دچار نشوند؛ گناهی که اعلان جنگ با خداست و [گناه] یک درهم از آن، از هفتاد زنا با نامحرم بیش تر است. پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها این کار را نکرد، بلکه به کاردار خود در مکه دستور داد که اگر رباخواران دست از رباخواری بر



نداشتند، با آنان بجنگد. اگر رهایی جستن از ربا با پیوند دادن یک چیزی تحقق می یافت، بر پیامبر لازم بود تا آن را به مردم بیاموزد تا از ریختن خون مسلمانان جلوگیری شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۴۰).

نقطه عطف نظریه مخالفان حيله های ربا، تعارض این حيله ها با فلسفه حرمت ربا است که در قرآن و روایات بیان شده است. امام خمینی در این زمینه می فرماید:

روشن است که اگر گفته شود گرفتن افزایش مال در ربا ستم است و نیز گفته شود این افزایش را با به کار بستن راه گریز و دگرگون سازی عنوان می توان گرفت، عرف میان این دو سخن، ناسازگاری می بیند؛ مانند این که بگوید نوشیدن می حرام است و پیامبر صلی الله علیه و آله باده گسار و می فروش و... را نفرین کرده است و از سوی دیگر بگوید، این [باده گساری] برای فساد و مست کنندگی آن است و باکی نیست اگر شراب را در کپسول جای دهند و آن را بخورند با این که همان فساد و مست کنندگی را در پی دارد. چنین چیزی تناقض در گفتار و تنافی در حکم به شمار می آید. این نیز نادرست است که گفته شود آن چه حرام شده است، نوشیدن است؛ نه خوردن و این علت، حکمت تشریح است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۵۰).

امام خمینی رحمه الله درباره روایت هایی که بر جایز شمردن حيله های ربا دلالت می کند، چنین می فرماید:

این گونه روایات و هرچه در بردارنده گرفتن ربا و راه گریزی برای خوردن آن باشد، از آن دست چیزهایی است که معصوم علیه السلام درباره آن ها فرموده اند: «آن چه با سخن پروردگار ما، ناسازگار باشد ما نگفته ایم» یا «سخن گزاف» یا «بیهوده» است و مانند این تعابیر را به کار برده اند (موسوی خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۵۵۰).

امام خمینی رحمه الله در ادامه در ردّ روایت هایی که حيله های ربا را جایز می شمارند، می فرماید:

پاره ای از این روایات، در بردارنده چیزی هستند که شایسته شخصیت و جایگاه امام علیه السلام نیست. مانند روایت محمد بن اسحاق با سندی ناشناخته از امام رضا علیه السلام که در پی پرسشی درباره گریز از ربا گفت: «با کی نیست. پدرم به من دستور داد و من هم چنین کردم» و در [کتاب] من لا یحضره الفقیه نیز مانند آن یافت می شود. در روایت مسعده بن صدقه نیز پس از پرسش درباره گریز از ربا گفت: «باکی نیست. پدرم این کار را انجام داد و به من نیز دستور داد که در یکی از بدهی های او چنین کنم».

معصوم علیه السلام حتی برخی از کارها را که بتوان آن را روا شمرد، انجام نمی دهد؛ زیرا او از انجام کارهایی که سبب بیزاری فطرت آدمی می شود، پرهیز می کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۵۰).

این امر، به دلالت روایت هایی که حيله های فرار از ربا را جایز می شمارند، خدشه وارد می کند؛ زیرا این کار هرچند جایز باشد، در نظر مردم ناپسند است و معصوم علیه السلام کاری را که مردم از آن نفرت دارند، انجام نمی دهند.

شهید مطهری نیز با رد حيله های ربا می گوید: از قرآن مجید استفاده می شود که ملاک حرمت ربا ظلم است. از روایات نیز استفاده می گردد که ربا حرام شده است تا تجارت ترک نشود؛ حال آن که با تجویز حيله های ربا ظلم و ترک تجارت پابرجاست؛ یعنی عوض کردن صورت قضیه، ظلم را بر نمی دارد و نیز در تجارت خلل ایجاد می کند. از طرف دیگر، باید دید آیا حيله در شرع جایز است یا خیر؟ یک وقت شخص حيله می کند به این معنا که خود را از موضوعی به موضوع دیگری خارج می کند؛ مثلاً سفر می کند تا نماز را قصر کند و روزه را افطار کند، این جایز است؛ زیرا در حقیقت، بر خلاف نظر شارع عمل نکرده است؛ چون شارع از این کار نهی نکرده است. با این که می توانست از سفر در ماه رمضان نهی کند، ولی نهی نکرده است؛ مثال این گونه حيله در قوانین مدنی این است که چنان چه برای اشخاص متأهل، قانون معافیت از خدمت سربازی باشد و برای غیر متأهل نباشد، اگر کسی اقدام به تأهل کند، خود را از موضوعی به موضوع دیگری خارج کرده است و با غرض قانون گذار هم مخالفت نورزیده است، ولی یک وقت حيله، مبارزه با غرض قانون گذار است و در حقیقت کلاه بر سر شارع گذاشتن است؛ مثال این نوع حيله در قوانین بشری حيله هایی است که تجار برای فرار از مالیات در تنظیم دفتر می دهند که مبارزه با غرض قانون گذار است؛ زیرا شک نیست که غرض قانون گذار وصول مالیات است، ولی چون صورت کار وی قانونی است، نمی توانند ایرادی

بر او بگیرند و لذا مرتب قوانین را تغییر می دهند تا شاید جلو فرار از مالیات را بگیرند. مثال این نوع حيله در احكام شرعی همین حيله های رباست. واضح است که شارع خواسته است رباگیر اخذ ربا؛ یعنی زیاده نکند و در حيله ها، اخذ زیاده می شود و با غرض شارع مبارزه می گردد (مطهری، ۱۳۶۴، صص ۲۳۷ - ۲۴۱).

ایشان در ادامه می گوید:

دلایل نقلی هم بر حرمت حيله به معنای کلاه گذاشتن بر سر شارع دلالت دارد؛ مثل آن چه درباره اصحاب سبت در قرآن مجید ذکر شده است و روایاتی هم در خصوص باب ربا وارد شده است؛ مثل آن چه در نهج البلاغه در خطبه ۱۴۵، به نقل از نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله است که: یا علی! انّ القوم سیفتنون بعدی باموالهم... یستحلون حرامه بالشبهات الکاذبه و الالهواء الساهیه فیستحلون الخمر بالنبذ و السحت بالهدیه و الربا بالبیع (نهج البلاغه دشتی، خطبه ۱۵۶، ص ۲۹۲).

یا علی امت، پس از من به فتنه مال دچار شوند. به خدا منت می نهند که به دین اسلام گرویده اند و بی آن که به کارهای نیک بکشند، رحمت خدا را آرزو می کنند و از قهر او خود را ایمن می پندارند. حرام خدا را با ظاهرسازی های دروغین و هوس های غفلت آمیز، حلال می شمارند. پس شراب را به عنوان نبذ و رشوه را به نام هدیه و ربا را به صورت بیع می خورند.

در میان فقیهان پیشین نیز مقدس اردبیلی از مخالفان حيله های شرعی است. ایشان پس از آوردن برخی از حيله های شرعی می گوید: سزاوار است که تا آنجا که ممکن است از این حيله ها اجتناب شود و در صورت اضطرار هم رضای خدا را در نظر بگیرد و به این حيله هایی که صورت ظاهری را درست می کنند، نظر نداشته باشد. وی آن گاه در تأیید نظر خود می گوید:

به ظاهر صاحب تذکره (علامه) نیز با ما هم عقیده بوده است که پیش از ذکر حيله های شرعی گفته است: «اگر ضرورت ایجاب کرد باید چنین و چنان کند و حيله های شرعی را نشان داده است» (مقدس اردبیلی، ۱۳۹۵، ج ۸، ص ۴۸۸).

آیت الله خامنه ای نیز از مخالفان حيله های رباست. ایشان در رساله اجوبه الاستفتائات در موارد مختلف در پاسخ به پرسش هایی که شده است، فرموده اند:

اگر این کار برای فرار از ربا باشد، اشکال دارد. به عنوان نمونه، می توان به پرسش ۵۱۷ و ۵۲۰ و ۵۳۳ و ۵۴۱ اشاره کرد. ایشان در پاسخ به این پرسش که ضمیمه کردن چیزی به مال به قصد فرار از ربا چه حکمی دارد؟ فرموده اند:

این کار در جواز قرض ربوی اثری ندارد و با ضمیمه کردن چیزی به آن حلال نمی شود (۱۳۸۶، پرسش ۵۴۲).

### نتیجه گیری

ربا از گناهان کبیره است که در شرع مقدس اسلام مورد نهی واقع شده است. قانون گذار نیز با تأسی از شارع مقدس، در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، برای ربا دهنده و ربا گیرنده و نیز برای واسطه های بین آنها مجازات تعیین نموده است. موضوع رباخواری به مفهوم گسترده ای آن پیش از انقلاب اسلامی کمتر در جامعه وجود داشت و تا سال ۱۳۷۵ نیز در قانون پیش بینی نشده بود. با گسترش رکود و تورم اقتصادی و افزایش این جرم در سطح اجتماع، قانون گذار آن را جرم انگاری نمود.

حيله های شرعی و غیر شرعی در بیشتر ابواب فقهی مورد استفاده قرار می گیرد و دامنه بسیار گسترده ای را دارا می باشد که به عنوان راه برون رفت از موانع قانونی و شرعی در زندگی فردی و اجتماعی مطرح می باشد. حيله در لغت به معنای «دگرگون شدن از یک حال به حال دیگر» و در اصطلاح «رسیدن به یک مطلوب شرعی و هدف مشروع، چه این که راه رسیدن به آن، امر حلالی باشد، یا راه مذکور خود غیر مشروع باشد»، معنا شده است.

به طور کلی، حيله در اصطلاح فقها؛ یعنی حفظ ظاهر قوانین شرع، اگر چه روح قانون موجود نباشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۴) به دیگر سخن؛ حيله به کار بستن راه هایی است که گرچه ظواهر قانون در آن رعایت شده، ولی چه بسا با روح قانون مخالف است؛ مانند این که شخص برای فرار از حرمت ربا، می کوشد از راه بعضی از عقود و معاملات که ظاهری شرعی دارند به هدف اصلی خود که دریافت سود است، برسد؛ هر چند این شخص، راه های شرعی را پیموده، و در ظاهر مخالفتی با شرع نکرده است، ولی ممکن است با روح و فلسفه تحریم ربا مخالفت کرده باشد (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۴۷، ص ۱۵۲).

هدف از این مقاله، مشروعیت حيله های شرعی در مبحث بانکداری که یکی از مهمترین موضوعات فقهی است و بعد اقتصادی زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد و به بیان نمونه هایی از مصادیق حيله در نظام بانکداری بپردازد. مهم ترین دستاوردهای این تحقیق:

الف) بررسی عملکرد بانک ها نشان میدهد در برخی موارد، مشتری به علل گوناگون از راه طبیعی و واقعی عقدهای شرعی خارج شده و آن عقد را در عمل به حيله های حرام برای ربا تبدیل میکند. همچنین بانک به دلیل آنکه عمل به مفاد قراردادهای شرعی مشکل، هزینه بر یا ریسکی است در برخی موارد از راه طبیعی این قراردادها خارج و مرتکب حيله حرام می شود. بر مسؤولان نظام بانکی، به ویژه اداره نظارت و بررسی های بانک مرکزی است که به مسؤولیت خود عمل، و منشأ این امر را شناسایی و برطرف کنند.

ب) فقیهان شیعه کلیت حيله شرعی را پذیرفته اند اما از آنجا که پیشینه روایی آن زیاد نیست می توان بیان نمود که حيله شرعی نمی تواند در فقه جایگاه مثبتی داشته باشد.

ب) برخی حيله های شرعی یا از محرمات الهی محسوب می شوند یا زمینه ساز ارتکاب حرام خواهند شد و مواردی مصداق تقلب نسبت به قانون هستند و یا حيله های شرعی سبب پایمال شدن حقی که در اسلام به رسمیت شناخته شده می گردند، می توان گفت کاربرد حيله شرعی در احکام اسلامی جایگاهی ندارد و قابل دفاع نخواهد بود.

ج) از آنجا که برخی حيله ها، تناقض در قانون گذاری و نقض غرض شارع از تشریح حکم را به دنبال دارند یا استهزاء برخی قوانین را در پی دارند یا حقی از حقوق افراد را که در دین بیان شده را از بین می برند یا زمینه ساز ارتکاب حرام می شوند و یا برخی از حيله ها مصداق تقلب نسبت به قانون هستند و... به همین دلیل می توان گفت، حيله شرعی در احکام اسلامی جایگاهی ندارد و در مواردی قابل دفاع نخواهد بود. بنابراین کاربرد حيله های ربا در بانکداری اسلامی نیز نمی تواند مشروعیت داشته باشد.

با توجه به پیچیدگی هایی که در زمینه حذف ربا از معاملات و عملیات بانکی رخ داده است در زمینه های اجرایی و محتوایی عملیات بانکداری بدون ربا با مشکلاتی روبه روست بنابراین بایستی با ساده کردن عملیات بانکی و کاهش ابزارهای مالی مدون در قانون و توجه به کارایی ابزارهای مالی نه تعداد آن ها تا حدودی مشکل را از بین برد. برون رفت از این وضعیت مستلزم فراهم ساختن ساختار لازم برای اجرای قواعد بانکداری اسلامی است.

## منابع

### قرآن کریم

#### الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۲)، ربا و قرض در اسلام، قم: بوستان کتاب.
- امیراصلانی، اسدالله، مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری، بی تا.
- باوند، فرزاد، مجموعه سخنرانی ها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، بی تا.
- بحیری، محمد عبدالوهاب. (۱۳۷۶). حيله های شرعی ناسازگار با فلسفه فقه، ترجمه: صابری، حسین، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی
- تقوی، سید مهدی. (۱۳۹۳). بررسی حکم فقهی کارمزد وام، پایان نامه، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، معاونت آموزش حوزه های علمیه
- جمعی از مؤلفان. (بی تا). مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول
- صابری، حسین. (۱۳۸۰). حيله های شرعی در دیدگاه مذاهب، مجله مشکوة، شماره ۷۰، صص ۱۴ - ۴۹

- غفوریان، محمدرضا. (۱۳۷۶). ارزیابی راههای گریز از ربا در نگاه امام خمینی و شهید صدر، فصلنامه کاوشی نو در فقه، شماره ۱۱ و ۱۲
- غیب غلامی هرساوی، حسین. (۱۳۸۱). حیل‌های شرعی در حوزه مذهبهای فقهی، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۳۹۵ - ۴۴۰
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). ربا، بانک و بیمه به ضمیمه مسأله بیمه، تهران، انتشارات صدرا
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۶). مسأله ربا، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر مکارم. (۱۳۸۹). بررسی طرق فرار از ربا، تهیه و تدوین: علیان نژادی، ابوالقاسم، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۸ ه.ق). حیل‌های شرعی و چاره جوئی‌های صحیح، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم
- موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۱). مصداق‌های پنهان و آشکار ربا در نظام بانکی ایران، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۶
- میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۵). حیل‌های ربا، مجله اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۳۰-۹۵
- یزدی، سید محمد کاظم. (۱۳۷۶). سؤال و جواب استفتائات، قم، مرکز نشر علوم اسلامی

#### ب) منابع عربی

- بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۸ ه.ق). استفتائات، جلد سوم، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ ه.ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق و مصحح: احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۳۴۷). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۶۳). الحیاه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۰ ه.ق). تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۸۶). اجوبه الاستفتاءات، تهران، انتشارات قدر ولایت، چاپ چهاردهم
- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۷)، مفردات الفاظ قرآن؛ صفوان تحقیق عدنان داوودی، قم: انتشارات طلّیعه النور.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه حسین نوری، و محمد مفتاح، تهران: فراهانی
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۴۲). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قیصر العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علامه حلّی، حسین بن یوسف. (۱۳۶۳). تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران: انتشارات اسلامیة.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ ه.ق). قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم
- قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۵۵). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی، عباس. (۱۳۶۳). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: فراهانی.
- گلپایگانی، محمد رضا. (۱۳۸۲). مجمع المسائل، قم، انتشارات دار القرآن الکریم
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- معلوف، لوئیس (۱۳۶۱)، منجد، ترجمه محمد بندریگی، تهران: انتشارات اسلامی.

- مقدس اردبیلی، احمد. (۱۳۹۵). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، قم، الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم
- مکی عاملی، محمد (شهید اول). (۱۳۷۵). الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۷۵). استفتائات، قم، چاپ انتشارات اسلامی قم
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). البیع، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۴ ه.ق). توضیح المسائل، جلد دوم، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴). تحریر الوسیله، قم: دارالعلم.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). منهاج الصالحین، قم، مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام، چاپ ششم
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۷۹). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه